﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡ﴾ [الفتح: 29].

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾ [المائدة: 55].

تولی و تبری در اسلام

**تألیف:**

**صالح بن فوزان الفوزان**

**ترجمه:**

**عبدالعزیز بداغی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | تولی و تبری در اسلام |
| **مؤلف:** | صالح بن فوزان الفوزان |
| **مترجم:** | عبدالعزیز بداغی |
| **موضوع:** | دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی، انسان، شیطان، جن، ملک و...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمة مترجم 5](#_Toc238532811)

[مقدمة مؤلف 7](#_Toc238532812)

[نشانه‌هاي تولي و تبري 11](#_Toc238532813)

[الف) نشانه‌هاي دوستي با كفار 11](#_Toc238532814)

[1- شباهت در پوشش و نحوه گفتار: 11](#_Toc238532815)

[2- اقامت در دار الكفر و عدم مهاجرت در جهت صيانت دين به دار الإسلام: 11](#_Toc238532816)

[3- حمايت و ياري كفار بر عليه مسلمانان: 12](#_Toc238532817)

[4- ياري طلبيدن، اعتماد، سر سپردگي، واگذاري پستهاي حساس كه سبب دسترسي كفار به اسرار مسلمانان مي گردد و برگزيدن آنان به عنوان مشاور و دوستان صميمي: 13](#_Toc238532818)

[5- استفاده از تاريخ آنان به ويژه تاريخي كه بيانگر عقايد و اعياد آنان است، (مانند تاريخ ميلادي): 15](#_Toc238532819)

[6- شركت در جشن‌ها، كمك كردن در برگزاري آن و تبريك گفتن به آنان: 15](#_Toc238532820)

[7- مدح و ستايش فرهنگ و تمدن كفار و شيدايي اخلاق و روش آنان بودن صرفنظر از عقايد غلط و دين فاسدي كه دارند: 15](#_Toc238532821)

[8- تاسي به كفار در نامگذاري اولاد: 17](#_Toc238532822)

[9- طلب آمرزش و مغفرت براي كفار: 17](#_Toc238532823)

[ب) نشانه‌هاي دوستي با مؤمنين 17](#_Toc238532824)

[1- هجرت از دارالكفر به سوي دارالاسلام: 17](#_Toc238532825)

[2- پشتيباني و ياري كردن مسلمانان با جان، مال و زبان در نيازمنديهاي دين و دنيايشان: 18](#_Toc238532826)

[3- شادي و مصيبت مسلمانان را از آن خود بداند. 18](#_Toc238532827)

[4- دوستدار و خيرخواه مسلمانان بودن و امتناع از اغفال و فريب آنان: 19](#_Toc238532828)

[5- تكريم و احترام مسلمانان و امتناع از عيبجويي و تنقيض شخصيتشان: 19](#_Toc238532829)

[6- در تنگنا و فراخي يار مونس آنان باشد. 20](#_Toc238532830)

[7- ديدار و هم نشيني با مسلمانان و اظهار محبت در ملاقات با آنان: 20](#_Toc238532831)

[8- رعايت حقوق مسلمانان: 21](#_Toc238532832)

[9- شفقت با ضعفاي مسلمان: 21](#_Toc238532833)

[10- طلب استغفار و دعاي خير براي مسلمانان: 22](#_Toc238532834)

[مردم در تولي و تبري به سه گروه زير تقسيم مي شوند: 25](#_Toc238532835)

[گروه اول: 25](#_Toc238532836)

[گروه دومکسانی که مورد بغض و نفرت مسلمان هستند و مجتبی در دل آنان ندارند. 26](#_Toc238532837)

[گروه سوم 27](#_Toc238532838)

مقدمة مترجم

  واقع تلخی که جهان امروز با آن روبرو می‌باشد این است که ایادی کفر و طاغوت در سراسر جهان برای نابودی اسلام بسیج شده و دست در دست هم نهاده اند و تمام قوای خویش را برای رسیدن به این امر شوم به کار گرفته‌اند.

روز به روز صفوف کفر محکم‌تر و اتحادشان بیشتر و در مخالفت با شرح الله جسورتر می‌گردند و چشم به دنبال روزی دارند که نظام اسلام از صحنه گیتی بر چپده شده و کفر جهانی بر سراسر عالم حکمفرما شود. اسلام تاکنون چنین مورد غربت واقع نشده و بی یاور نمانده است. در گوشه گوشه این جهان پهناور این مسلمانانند که مظلومانه کشته می‌شوند، آواره می‌گردند و با وحشیانه ترین شیوه مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند این آه و فغان مسلمانان در بند است که به جایی نرسیده و از سوی هیچ قدرتی حمایت نمی‌شوند، این ندای قرآن است که در گلوی مسلمانان و زیر آوار مساجد به خون آغشته خفه می‌شود. و این خون عقیده‌ی توحید است که در شاهرگ جوامع اسلامی بی‌حرکت می‌گردد.

انگیزه‌ای که مرا به ترجمه این کتاب واداشت، کج فهمی و افتراءاتی بود که بعضا از سوی برخی مسلمانان ساده اندیش و خود باخته که بیشتر اسلام را از تعریف و تفسیر دشمنان این دین شناخته[[1]](#footnote-1) و نسبت به حقایق آن پشت پرده‌های اوهام و پندار مانده‌اند، و به تنها قسمتی از اسلام که بتواند مقبول جهان کفر بوده و از آن خطری احساس نشود بسنده نموده‌اند.

یکی از ریشه‌های توحید که امروز بر مسلمانان پوشیده می‌باشد اصل تولی و تبری است، و تا زمانی که این اصل در زندگی مسلمانان وارد منطق بر موازین شرع اجرا نشود. انقلاب توحیدی که بتواند دست استکبار را قطع نموده و ریشه‌های طاغوت را بخشکاند و مسلمانان را از زیر سلطه و یوغ ظالمان آزاد ساخته و رهایی بخشد محقق نخواهد شد.

ولی متاسفانه امروز افکاری منحرف و گمراه کننده و نشات گرفته از عقل ناقص بشری که مخالف با نصوص صریح قرآن و سنت مطهر رسول الله می‌باشد، اصرار در توجیه کفر کافران و جنایاتی که مرتکب می‌شوند داشته و به رغم تشویق مومنان به جهاد و مبارزه با زورگویان و ظالمان روحیه مجاهدین را در دفاع از شریعت الله سست نموده و از جهاد تنفر می‌جویند.

این جاهلان هرگز از موالات و برادری با کفار اکراه نداشته و با حربه ((در جهان کافری نمی‌توان یافت و حجت دینی هنوز بر کسی تمام نشده است)) به کلی نظام تولی و تبری را زیر سوال برده بلکه آن را تعطیل نموده اند. در حالی که تشکیل جامعه و حکومت دینی بر این اصل استوار بوده و می‌تواند بقای خویش را حفظ نمایند، و در پی استقرار چنین نظامی است که صفوف پولادین سربازان اسلام در برابر کفر شکل گرفته و اتحاد بین مسلمانان به وجود خواهد آمد. و با صراحت می‌توان گفت جامعه و حکومت اسلامی تنها به این شرط می‌تواند انسجام یافته و روح اسلام در آن تبلور یابد.

در پایان ترجمه کتاب  «الولاء والبراء في الاسلام» را به کلیه برادران و خواهران ایمانیم تقدیم می‌دارم و از بارگاه الله  خواهانیم آن را به عنوان عملی صالح پذیرفته و گامی در جهت خدمت به شریعت مقدس خویش و نیز وسیله‌ای برای آگاهی بیشتر عزیزان در این راستا قرار دهد. آمین.

مقدمة مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

 الحمد لله والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله وصحبه ومن اهتدى بهداه.

دوستی و مودت با اولیاء الله پس از محبت الله و رسولش و دشمنی با دشمنان او بر هر مسلمانی واجب است و پایبندی به این عقیده، از جمله اصول عقیده‌ی اسلامی بوده و بر هر مسلمانی واجب است، اهل آن را دوست داشته و با مخالفان آن دشمنی بورزد، لذا واجب است موحدان مخلص را دوست داشته و از مشرکان بیزاری جسته و آنان را دشمن بدارد.

و این اساس دین ابراهیم و پویندگان سنت او است، همان کسانی که رب العالمین فرمان داده است، به آنان اقتدا نماییم آنجا که می‌فرماید: ﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ﴾ [الممتحنة: 4]. «برای شما در ابراهیم و همراهان او سرمشقی نیکوست، آنگاه که به قومشان گفتند ما از شما و آنچه بجای خداوند می‌پرستید، بری و بر کناریم، ما منکر شماییم و همواره در میان ما و شما دشمنی و کینه پدید آمده است تا آنکه فقط به الله ایمان آورید».

شالوده‌ی دین محمد مصطفی نیز بر همین اصل استوار است، چنان که الله سبحانه می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥١﴾ [المائدة: 51]. «ای مومنان! یهودیان و مسیحیان را که (در مقابله با شما) دوست و هوادار یکدیگرند، به دوستی نگیرید؛ و هر کس از شما آنان را دوست گیرد، جزو آنان است؛ الله ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

اگرچه این آیه در خصوص دوستی با اهل کتاب نازل شده است؛ لیکن در تحریم موالات کفار به طور عام می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ أَوۡلِيَآءَ﴾ [الممتحنة: 1]. «ای مومنان! دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید».

بنابراین؛ خداوند دوستی کفار را هر چند که از نزدیکترین خویشان باشد بر مومن حرام فرموده است: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَابَآءَكُمۡ وَإِخۡوَٰنَكُمۡ أَوۡلِيَآءَ إِنِ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡكُفۡرَ عَلَى ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٣﴾[التوبة: 23].  «ای مومنان! پدران و برادرانتان را اگر کفر را از ایمان خوشتر دارند، دوست مگیرید، و آنان که از شما ایشان را دوست گیرند آنانند که ستمکارند».

و نیز می‌فرماید: ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡ﴾ [المجادلة: 22]. «قومی نیابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با الله و پیامبر او مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند، ولو آن که پدرانشان یا فرزندانشان با برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند».

بسیاری از مردم این اصل اساسی را به فراموشی سپرده و از آن غفلت ورزیده اند، تا جایی که بعضاً در خطابه‌های منسوبین به علم و دعوت که از رادیوهای عربی پخش می‌شود، شنیده شده است که مسیحیان را برادران ما می‌خوانند و از آثار مخرب این سخن خویش غافلند. حال آنکه الله سبحانه و تعالی دوستی با کفار -که همان دشمنان عقیده اسلامی هستند- را حرام نموده و دوستی و حب اهل ایمان را واجب فرموده است. چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ ٥٥ وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٥٦﴾ [المائدة: 55- 56]. «تنها الله و فرستاده‌ی او و مومنانی یاور و دوست دار شمایند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می‌آورند و زکات مال بدر می‌کنند و هر کس که الله و پیامبر او و مومنان را به دوستی و یاری بپذیرد (از زمره‌ی حزب الله است و) بی تردید حزب الله پیروز است».

و می‌فرماید: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡ﴾ [الفتح: 29]. «محمد پیامبر الهی و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیر و با خودشان مهربانند».

همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ﴾ [الحجرات: 10]. «همانا مومنان (مسلمانان) برادرند».

بنابراین، مومنان برادران دینی و عقیدتی همدیگرند، اگر چه در نسب، سرزمین و اعصار تفاوت داشته باشند همان طور که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾ [الحشر: 10]. «و کسانی که پس از آنان آمده اند گویند، پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز، و در دلهای ما نسبت به مومنان کینه‌ای مگذار، پروردگارا تویی که رئوف و مهربانی».

با این وصف، از اولین مومنی که بر این کره‌ی خامی گام نهاده تا آخرین نفر اگر چه سرزمین‌هایشان از هم دور باشد و در زمانهای متفاوت به سر ببرند با همدیگر برادر و دوستدار هم هستند.

و آخرین فرد آنان به اولینشان اقتدا می‌کند و خیرخواه همدیگر بوده و برای هم از الله طلب آمرزش می‌نمایند.

نشانه‌هاي تولي و تبري

الف) نشانه‌های دوستی با كفار

1- شباهت در پوشش و نحوه گفتار:

تقلید از کفار در کسوت و کلام و سایر آداب و رسوم، نشانه محبت آنان است. بر همین اساس پیامبر می‌فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم». «هر کس به سلک قومی در آید در زمره‌ی آنان است».

همرنگی و مشابهت به کفار در عادات، عبادات، آداب و سلوک که از جمله ویژگی و مشخصه‌های آنان است حرام می‌باشد، مانند تراشیدن ریش، بلند کردن سبیل[[2]](#footnote-2)، تقلید در فرم لباس و خوردن و نوشیدن همچنین بکارگیری اصطلاحات زبانشان جز در هنگام ضرورت.

2- اقامت در دار الكفر و عدم مهاجرت در جهت صيانت دين به دار الإسلام:

هجرت با چنین معنا و هدفی بر هر مسلمانی واجب است، زیرا اقامت در دار الکفر پذیرش محبت و دوستی با کافران می‌باشد. از این رو الله تعالی اقامت مسلمانی را که توانایی هجرت داشته باشد در میان کافران حرام نموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ٩٧ إِلَّا ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةٗ وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلٗا ٩٨﴾ [النساء: 97-98]. «کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حالی بودید؟ گویند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم، گویند آیا مگر زمین خداوند وسیع نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید) هجرت کنید و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است. مگر مردان و زنان و کودکان مستضعف که نمی‌توانند چاره‌ای بیاندیشند و راه بجایی نمی‌برند. اینان را باشد که خداوند ببخشاید و خداوند بخشاینده‌ی آموزگار است».

الله تعالی اجازه‌ی سکونت در سرزمین کفار را به مسلمانان نداده و در این راستا عذر کسی را نمی‌پذیرد مگر کسانی که مستضعف بوده و توانایی مهاجرت ندارد یا آنهایی که ماندنشان برای مصلحتی دینی مانند دعوت به سوی الله و نشر اسلام است.

 سفر به سرزمین آنان به قصد سیر و سیاحت: سفر به سرزمین کافران حرام است مگر در مواقع ضروری از قبیل مداوا، تجارت و آموزش علوم کاربردی که دستیابی به آن در غیر این صورت میسر نباشد لذا اقامت به اندازه‌ی رفع نیاز بلا مانع است و چون رفع نیاز گردید بازگشت به دارالإسلام واجب است.

و شرط جواز چنین سفری این است که مسافر دین خود را آشکار نموده و به اسلام خویش افتخار نماید و از مکانهای شر دوری جسته تا از دسیسه و نیرنگ دشمنان مصون بماند. همچنین سفر به سرزمین و دیار کفر جهت دعوی به سوی الله و نشر اسلام جایز بلکه واجب می‌باشد.

3- حمايت و يارى كفار بر عليه مسلمانان:

این مسئله مهم سبب خارج شدن مسلمان از دایره اسلام می‌گردد و از جمله اسباب ارتداد به شمار می‌آید. نعوذ بالله من ذلك.

4- ياری طلبيدن، اعتماد، سر سپردگی، واگذاری پستهای حساس كه سبب دسترسی كفار به اسرار مسلمانان می‌گردد و برگزيدن آنان به عنوان مشاور و دوستان صميمی:

الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ١١٨ هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١١٩ إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَا﴾ [آل عمران: 118-120].

«ای مومنان، از غیر خودتان کسی را به همدلی نگیرید که از هیچ نابکاری در حق شما فرو گذار نمی‌کنند و با رنج و محنت افتادن شما را خوش دارند و به راستی دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه دلهایشان پنهان می‌دارد، بدتر است؛ آری اگر اندیشه کنید آیات خویش را به روشنی برایتان بیان کرده‌ایم، هان شما آنها را دوست دارید ولی آنها شما را دوست ندارند و شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید؛ و چون با شما رو برو شوند، گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند، سر انگشتان خویش را از غیظ شما به دندان می‌گزند، بگو به غیظ خویش بمیرید؛ خداوند از راز دلها آگاه است. اگر به شما خیری برسد ایشان را اندوهگین کند و اگر به شما بدی (و نا خوشی) رسد، از آن شاد می‌شوند».

این آیات کریمه عمق کینه و بغض کفار و شدت علاقه مندی آنان در آزار و اذیت رسانی به مسلمانان به هر وسیله ممکن اعم از مکر، خیانت و توطئه چینی را بیان می‌دارد. علاوه بر این سعی کفار بر این است از اعتماد مسلمانان نسبت به آنان سوء استفاده کرده و نقشه‌های مخرب خویش را پیاده نمایند تا به اهداف پلید خویش دست یابند.

امام احمد از ابوموسی اشعری روایت می‌کند که به امام عمر گفتم: کاتبی نصرانی دارم، فرمود: تو را چه شده است؟ الله تو را بکشد! آیا کلام رب العالمین را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ...﴾ [المائدة: 51]. «ای مومنان یهودیان و مسیحیان را که (در مقابله با شما) دوست و هوادار یکدیگرند، به دوستی نگیرید».

چرا یک موحد را به کار نگرفتی؟ گفتم ای امیر مومنان، کتابت او از آن من و دینش ارزانی خودش، عمر فرمود: کسی را که الله خوار نموده است اکرام نخواهم کرد و آن کس را که ذلیل کرده است عزیز نخواهیم داشت و در حالی که الله آنها را دور نموده است به آنان نزدیکی نخواهم جست.

و نیز امامان احمد و مسلم از پیامبر چنین روایت کرده اند که پیامبر عازم غزوه‌ی بدر شد، مردی از مشرکان در سرزمین حره به ایشان رسیده و گفت: قصد نموده ام در رکابتان بوده و با شما بجنگم، فرمود: آیا به الله و فرستاده‌ی او ایمان داری، گفت: خیر. فرمود: برگرد، هرگز از مشرک کمک نمی‌گیرم.

با توجه به این نصوص واگذاری زعامت مسلمانان به دست کفار حرام است.

چرا که از این راه به اسرارشان دست می‌یابند و بر امورشان مسلط می‌گردند، در نتیجه با حیله و مکر به آنان آسیب و ضرر می‌رسانند.

نمونه بارز این پدیده‌ی شوم که امروزه در جهان اسلام مشهود است، مصیبت پذیرش تولیت کفار از سوی مسلمانان می‌باشد که منجر به هجوم سیل آسا آنان به سرزمین‌های اسلامی حتی حرمین شریفین شده است. به طوری که در اشکال مختلف چون کارگر، راننده، مستخدم و مربی وارد خانه و جامعه مسلمین می‌گردند.

5- استفاده از تاريخ آنان به ويژه تاريخی كه بيانگر عقايد و اعياد آنان است[[3]](#footnote-3)، (مانند تاريخ ميلادی):

تاریخ میلادی عبارتی است برای یادآوری میلاد مسیح ، این تاریخ بعدها از سوی مسیحیان وضع شده و اساسی در دین مسیح ندارد. لذا استعمال آن مشارکت در احیای اعیاد و شعائر دینی آنان می‌باشد، که دوری جستن از آن بر مسلمانان واجب است، زیرا هنگامی که صحابه رسول الله در عهد خلافت عمر مبدا تاریخ اسلام را بنا گذاشتند، عملاً از تاریخ کفار عدول کردند و حادثه عظیم هجرت پیامبر را مبنی قرار دادند این عمل (اجماع صحابه)[[4]](#footnote-4) بر واجب بودن مخالفت با کافران در این مورد و موارد مشابه و سایر ویژگی‌های آنان دلالت دارد و الله المستعان.

6- شركت در جشن‌ها، كمک كردن در برگزاری آن و تبريک گفتن به آنان:

آیه‌ی ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ﴾ [الفرقان: 72]. «و نیز کسانی که در مجالس باطل حضور نیابند» به همین مطلب اشاره دارد.

و از جمله صفات بارز عبادالرحمن این است که ایشان در جشن‌های کفار شرکت نمی‌جویند.

7- مدح و ستايش فرهنگ و تمدن كفار و شيدايی اخلاق و روش آنان بودن صرفنظر از عقايد غلط و دين فاسدی كه دارند:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ ١٣١﴾ [طه: 131]. «به چیزی که اصنافی از آنان را به آن بهره‌مند گردانده ایم چشم مدوز که تجمل زندگی دنیوی است تا سرانجام آنان را بدان بیازماییم، و روزی پروردگارت بهتر و پاینده‌تر است».

این بدان معنی نیست که مسلمانان اسباب توسعه -از جمله تعلیم صنایع، سازه‌های مباج اقتصادی و فنون نظامی- را فرا نگیرند، بلکه آن را از مسلمانان می‌خواهند، همچنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ...﴾ [الأنفال: 60]. «و در برابر آنان هر نیرویی که می‌توانید، فراهم آورید...».

در اصل مسلمانان به بهره مندی از این منافع و اسرار و رموز اولی ترند، همچنان که الله سبحانه می‌فرماید: ﴿قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾ [الأعراف: 32]. «بگو: چه کسی زینت الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و رزق پاکیزه‌ی او را حرام کرده است، بگو اینها در زندگانی دنیا برای مومنان (و نا مومنان) است و در روز قیامت نیز خاص مومنان است».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُ﴾ [الجاثیة: 13]. «و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه از اوست و آنها را برای شما رام کرد».

و می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا﴾ [البقرة: 29]. «او کسی است که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید».

لذا بر مسلمانان واجب است در استفاده و بکارگیری از این منافع و نیروها از دیگران سبقت گرفته و برای دست یافتن به آن مدیون کفار نبوده بلکه خود دارای فنون و صنایع باشند.

8- تاسىبه كفار در نامگذارى اولاد:

از جمله مصائب دیگر این امت این است که برخی از مسلمانان بر فرزندان خویش اسامی بیگانه نهاده و اسم‌های مالوف و مشهود نیاکان خویش را که در جامعه اسلامی رایج بوده است واگذارند. حال آنکه پیامبر می‌فرماید: «خَيْرَ الأَسْمَاءِ عَبْدُ اللَّهِ، وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ». «بهترین نام‌ها عبدالله و عبدالرحمن است».

نتیجه این تغییر در اسامی، پیدایش نسلی با اسامی عجیب و غریب است که باعث شکاف میان نسل جدید و قدیم می‌گردد و شناسه‌ای را که جزو ویژگیهای هر خانواده است از بین می‌برد.

9- طلب آمرزش و مغفرت براى كفار:

الله تعالی به طور قطع و یقین در آیه زیر این عمل را حرام نموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسۡتَغۡفِرُواْ لِلۡمُشۡرِكِينَ وَلَوۡ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرۡبَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١١٣﴾ [التوبة: 113]. «سزاوار نیست که پیامبر و مومنان برای مشرکان، ولو خویشاوند باشند، پس از اینکه بر ایشان آشکار شده است که آنان دوزخی اند، آمرزش بخواهند».

زیرا این عمل بیانگر محبت کفار و صحیح دانستن عقاید باطل آنان است.

ب) نشانه‌های دوستی با مؤمنین

1- هجرت از دارالكفر به سوی دارالاسلام:

هجرت: یعنی ترک دارالکفر و اقامت در دارالاسلام بخاطر صیانت دین. هجرت با چنین معنا و هدفی تا روز قیامت بر مسلمانان واجب است و پیامبر مسلمانی را که در دارالکفر اقامت گزیده از خود نمی‌داند. لذا اقامت در دارالکفر مگر برای کسانی که توانایی هجرت ندارند و نیز کسانی که در آن دیار به تبلیغ اسلام می‌پردازند، حرام می‌باشد. الله سبحانه می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ٩٧﴾ [النساء: 97]. «کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حالی بودید؟ گویند ما در سزمین خود مستضعف بودیم، گویند آیا مگر زمین خداوند وسیع نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید) هجرت کنید و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است».

2- پشتيبانی و ياری كردن مسلمانان با جان، مال و زبان در نيازمنديهای دين و دنيايشان:

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖ﴾ [التوبة: 71]. «و مردان و زنان مومن دوستدار همدیگرند».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنِ ٱسۡتَنصَرُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ فَعَلَيۡكُمُ ٱلنَّصۡرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوۡمِۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ﴾ [الأنفال: 72]. «و اگر در کار دین از شما یاری خواستند بر شماست که یاری کنید مگر در برابر قومی که بین شما و ایشان پیمانی باشد».

3- شادی و مصيبت مسلمانان را از آن خود بداند.

پیامبر می‌فرماید: «مثل الـمسلمين في توادهم وتعاطفهم وتراحمهم كالجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالحمى والسهر». «مثل مسلمانان در دوستی و محبت و شفقت بسان پیکر واحدی هستند، هرگاه عضوی از آن به درد آید، تب و بی قراری سایر اعضا را فرا می‌گیرد».

و همچنین فرمود: «الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا، وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» «مثل مومن برای دیگر بسان ساختمانی است که جزیی از آن جزء دیگر را استحکام می‌بخشد (آنگاه پیامبر برای تجسم این تمثیل انگشتان دو دست خود را به هم گره کرد)».

4- دوستدار و خيرخواه مسلمانان بودن و امتناع از اغفال و فريب آنان:

یامبر فرمود: «لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ». «ایمان هیچ یک از شما به کمال نمی‌رسد مگر آنکه هر چه را برای خود می‌پسندد برای برادرش نیز بپسندد».

و نیز فرمود: «الـمسلم أخو الـمسلم لا يحقره ولا يخذله ولا يسلمه بحَسْبِ امْرِئٍ مِنْ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَمَالُهُ، وَعِرْضُهُ» «مسلمان برادر مسلمان است او را حقیر و خوار نمی‌شمارد، کمک خویش را از او باز نمی‌گیرد، او را به دشمنی نمی‌سپارد. در بدی همین اندازه که برادر خویش را تحقیر نماید او را بس است و جان و مال و شرف مسلمانان بر دیگری حرام است».

و همچنین پیامبر فرمودند: «لاَ تَبَاغَضُوا وَلاَ تَدَابَرُوا وَلاَ تَنَاجَشُوا وَلاَ يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» «یا همدیگر کینه ورزی نکنید، به یکدیگر پشت نکنید و روی معامله دیگری معامله نکنید و برادر وار عبادالله باشید».

5- تكريم و احترام مسلمانان و امتناع از عيبجويي و تنقيض شخصيتشان:

چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَ لَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢﴾ [الحجرات: 11-12]. «ای مؤمنان! نباید که قومی، قوم دیگر را به ریشخند بگیرد، چه بسا اینان از آنان بهتر باشند، و نیز نباید زنانی زنان دیگر را (ریشخند کنند) چه بسا اینان از آنان بهتر باشند و در میان خویش عیبجویی مکنید؛ و یکدیگر را به لقبهای بد مخوانید، پس از ایمان، پرداختن به فسق، بد رسمی است؛ و کسانی که (از این کار) باز نگردند، اینانند که ستمگرند، ای مومنان از بسیاری از گمانها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است و (در کار دیگران) تجسس مکنید، و کسی از شما از دیگری غیبت نکند؛ آیا هیچکدام از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد، که از آن تنفر دارید؛ و از خداوند پروا کنید که بیگمان خداوند توبه پذیر مهربان است».

6- در تنگنا و فراخی يار مونس آنان باشد.

به رغم منافقین که در آسایش و فراخی در کنار مسلمانان هستند و به هنگام سختی و خطر آنان را تنها می‌گذارند. که الله تعالی می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمۡ فَإِن كَانَ لَكُمۡ فَتۡحٞ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡ وَإِن كَانَ لِلۡكَٰفِرِينَ نَصِيبٞ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَسۡتَحۡوِذۡ عَلَيۡكُمۡ وَنَمۡنَعۡكُم مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [النساء: 141]. «(آری) همانها که مترصد شما هستند؛ پس اگر پیروزی از جانب خداوند نصیب شما شود می‌گویند مگر ما همراه (و پشتیبان) شما نبودیم؟ و اگر کافران نصیبی برند (به آنان) گویند مگر ما بر شما دست نداشتیم و دست مسلمانان را از شما دور نداشتیم؟»

7- ديدار و هم‌نشينی با مسلمانان و اظهار محبت در ملاقات با آنان:

در حدیثی قدسی آمده است که الله تعالی می‌فرماید: «وجبت مجتبي للمتزورين فيَّ» کسانی که به خاطر رضای من به دیدار هم می‌روند، مشمول محبت من واقع می‌شوند.

و در حدیثی دیگر چنین آمده است: مردی به خاطر الله به دیدار برادرش رفت، الله سبحانه بر سر راهش فرشته‌ای قرار دارد و از او پرسید به کجا می‌روی؟ گفت: به خاطر الله به دیدار مومنی می‌روم. گفت: آیا متاعی نزد وی داری که می‌خواهی باز پیش گیری؟ گفت: خیر. جز اینکه به خاطر الله او را دوست دارم. گفت: من فرستاده‌ی الله به سوی تو هستم (به تو مژده می‌دهم همان طور که تو  وی را به خاطر الله دوست داری الله نیز تو را دوست دارد.)

8- رعايت حقوق مسلمانان:

بر معامله مسلمانان معامله نکند و بر قیمت گذاری آنها قیمت ننهد و بر خواستگاریشان خواستگاری نکند. و در کارهای مباحی که از او پیشی گرفته‌اند متعرض حقوق آنان نشود. رسول اکرم فرمود: «لاَ يَبِعِ الرَّجُلُ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ وَلاَ يَخْطُبْ عَلَى خِطْبَةِ» و فی روایت: «ولا يسم على سومه» «زینهار هیچ مردی از شما بر معامله برادرش معامله نکند و بر خواستگاری او خواستگاری ننماید» و در روایتی دیگر آمده است: «بر قیمت گذاری او قیمت ننهد».

9- شفقت با ضعفای مسلمان:

همان طور که رسول اکرم می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوَقِّرْ كَبِيرَنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرَنَا» «هر کس به افراد مسن ما (این امت) احترام نگذارد و بر خردسالان ما مهر نورزد از ما نیست».

و همچنین فرمود: «هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلاَّ بِضُعَفَائِكُمْ» «آیا نصرت و پیروزی نصیب شما می‌شد؟ مگر (بواسطه لطفی که الله) به ضعیفان شما دارد»؟

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾[الکهف: 28]. «و با کسانی که بامدادان و شامگاهان پروردگارشان را ( به دعا و نیایش) می‌خوانند و در طلب خشنودی او هستند، مدارا کن؛ و در هوای تجمل زندگی دنیوی، چشم از ایشان بر مگیر».

10- طلب استغفار و دعای خير برای مسلمانان:

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾ [محمد: 19]. «و برای گناهانت و نیز برای مردان و زنان مومن آمرزش بخواه».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾ [الحشر: 10]. «و کسانی که پس از آنان آمده اند گویند، پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز. و در دلهای ما نسبت به مومنان کینه‌ای مگذار، پروردگارا تویی که رئوف و مهربانی».

ولی در آیه‌ای که الله سبحانه می‌فرماید:﴿لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٨﴾ [الممتحنة: 8]. «خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده اند، و شما را از خانه و کاشانه تان آواره نکرده اند، نهی نمی‌کند از اینکه در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید، بیگمان خداوند دادگران را دوست دارد».

مصداق آن کافرانی است که با مسلمانان سر جنگ ندارند و در صدد آزار رساندن و آواره کردن، ایشان نیستند در پاسخ به این عملکرد آرام آنان، مسلمانان با عدل و نیکی در امور دنیوی با آنها رفتار می‌نمایند ولی محبت این کافران را در دل جای نمی‌دهند چرا که الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ﴾ در حالی که آیه نفرموده است: آنها را به دوستی بگیرید و به آنها مهر بورزید.

نظیر این موضوع آیه‌ای است که الله تعالی در خصوص والدین کافر نازل فرموده است: ﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّ﴾ [لقمان: 15]. «و اگر تو را وادارند، تا چیزی را که بدان علم نداری شریک من گردانی، از آنان فرمان مبر، و با آنان در دنیا به نیکی هم نشینی کن، و به راه کسی برو که به سوی من باز گشته است».

روزی مادر اسماء به دیدارش آمد و خواست با او صله رحم استوار نماید، حال آنکه مادر وی زنی کافر بود. اسماء نزد رسول الله شتافت و برای این کار اذن خواست، پیامبر به فرمود: با او دیدار کن، و الله تعالی نیز در این باره چنین می‌فرماید: ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡ﴾ [المجادلة: 22]. «قومی نیابی که به  خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می‌روزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان باشند».

ایجاد روابط دنیوی با مهر ورزی دو مقوله جدا از همدیگر هستند، زیرا روابط حسنه و رفتار نیک موجب تشویق کافر به اسلام می‌شود و آن از جمله اسباب دعوت به شمار می‌آید بر خلاف مودت و دوستی که تایید عقاید فرد مقابل را در برداشته و از دعوت او به اسلام جلوگیری می‌نماید.

نکته مهم تحریم دوستی با کافران به این معنی نیست که از ایجاد روابط مباح تجاری و معاوضه کالا و بهره گیری از صنایع مفید و تجارب و اختراعاتشان پرهیز نماییم.

چنان که رسول اکرم ابن اریقط لیثی را در حالی که کافر بود اجیر فرمود تا در سفر هجرت راه را به آنان نشان دهد، و نیز در سیره آمده است که ایشان از برخی از یهودیان قرض گرفته است. مسلمانان همواره با کشورهای غیر اسلامی معامله داشته و تولیدات و کالاهایشان را وارد کشور می‌نمایند و در مقابل قیمت آن اجناس را می‌پردازند، که جایی برای منت یا تفوق کفار بر آنان باقی نمی‌ماند و این مسئله ارتباطی با محبت و دوستی با آنها ندارد چرا که دشمنی با کفار و دوستی با مومنین بر هر مسلمانی واجب است.

چنان که سبحانه می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖ﴾ [الأنفال: 72]. «کسانی که ایمان آورده اند و هجرت کرده‌اند، و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کرده‌اند، همچنین کسانی که (ایشان را) جا و پناه و یاری داده‌اند، اینان دوستان همدیگرند».

تا آنجا که می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ ٧٣﴾ [الأنفال: 73]. «و کافران دوستدار همدیگرند؛ اگر به این (سفارش) عمل نکنید، در این سرزمین فتنه و فسادی بزرگ بر پا می‌گردد».

حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیه که می‌فرماید: ﴿إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ﴾ چنین می‌فرماید: اگر از مشرکین دوری نجسته و با مومنان تودد و محبت برقرار ننمایید فتنه‌ای فراگیر مسلمانان را فراخواند گرفت و حق مشتبه خواهد شد، در نتیجه صف بندی میان کفر و اسلام از بین رفته و فساد گسترده و دامنه داری مردم را فراگیر می‌گیرد و به عقیده‌ی من این حقیقتی است که امروز مردم به آن مبتلا شده‌اند.

مردم در تولي و تبري به سه گروه زير تقسيم مي شوند:

 گروه اول:

کسانی هستند که باید از صمیم قلب آنان را دوست داشت و از هر گونه کینه و دشمنی نسبت به آنان پرهیز نمود و اینان مخلصترین مومنان هستند که عبارتند از انبیاء صدیقین، شهداء و صالحین که قافله سالار آنان رسول الله محمد المصطفی می‌باشد که محبت ایشان پس الله تعالی واجب است از محبت جان، مال، فرزند، والدین و تمام مردم پیشی گیرد.

پس از رسول الله محبت همسران ((مادران اهل ایمان)) و اهل بیت طاهر و جمله اصحاب گرانقدرش - به ویژه خلفای راشدین و بقیه عشره مبشره، مهاجرین، انصار، اهل بدر، اهل بیعت رضوان و سایر صحابه بر امت اسلام واجب است.

پس از این بزرگواران واجب است محبت تابعین و مسلمانان قرون مفضل[[5]](#footnote-5)، سلف و پیشوایان کرام این امت -چون ائمه اربعه- را در دل داشته باشیم.

کسی که کم‌ترین اثری از ایمان در قلب وی وجود داشته باشد هرگز به کینه ورزی و دشمنی با صحابه بر نمی‌خیزد و تنها کسانی به ورته دشمنی و کینه توزی با آنان گرفتار می‌شوند که دارای قلبی مریض و آکنده از نفاق و دشمنی با اسلام باشد. همچون خوارج[[6]](#footnote-6) و فرق غالی که از شر آنان به الله سبحانه پناه می‌بریم.

گروه دوم

کسانی که مورد بغض و نفرت مسلمان هستند و مجتبی در دل آنان ندارند.

افراد این گروه را کلیه کافران اعم از مشرکین، منافقین، مرتدین و ملحدین تشکیل می‌دهند که بر حسب کفری که مرتکب شده اند مورد بغض و نفرت مسلمانان واقع می‌شوند.

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡ﴾ [المجادلة: 22]. «قومی نیابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با الله و پیامبر او مخالفت می‌روزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند».

و آنگاه که بنی اسرائیل را مورد سرزنش قرار می‌دهد می‌فرماید: ﴿تَرَىٰ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ يَتَوَلَّوۡنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ لَبِئۡسَ مَا قَدَّمَتۡ لَهُمۡ أَنفُسُهُمۡ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَفِي ٱلۡعَذَابِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ٨٠ وَلَوۡ كَانُواْ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِيِّ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨١﴾ [المائدة: 80-81]. «بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را دوست می‌دارند؛ پس بد است آن چه برای خود پیش اندیشی کردند. که سرانجام خداوند بر آنان خشم گرفته و جاودانه در عذاب خواهند بود و اگر به خداوند و پیامبر (اسلام) و آنچه بر او نازل شده است ایمان داشتند، آنان را دوست نمی‌گرفتند، ولی بسیاری از آنان نافرمانند».

گروه سوم

کسانی که از جهتی مورد محبت و از جهتی مورد نفرت واقع می‌شوند.

مصداق این گروه مومنان گناه کارند که به خاطر ایمانشان مورد مهر و محبت و به دلیل گناهی - مادون کفر و شرک - که مرتکب می‌شوند مورد نفرت مسلمانان واقع می‌شوند. مقتضای محبت آنان نصیحت، خیرخواهی و نهی از منکر می‌باشد. بنابراین روا نیست در برابر گناهانی که انجام می‌دهند. سکوت اختیار نمود بلکه باید انجام معاصی را بر آنان ناپسند داشته و به معروف امر و از منکر نهی گردند. و حدود و تعزیرات شرعی بر آنان جاری گردد، تا از گناهان دست کشیده و توبه نمایند.

دیدگاه اهل سنت در بغض از این مسلمانان نه مانند خوارج است که مرتکبین گناه کبیره را مشرک می‌پندارند و از آنان به کلی تبری می‌جویند و نه مانند مرجئه می‌باشد که آنها را مورد مودت و دوستی خالص قرار می‌دهند، بلکه مسیر اهل سنت اعتدال میان هر دو روش می‌باشد.

دوستی و دشمنی ورزیدن به خاطر رضای الله  کامل ترین درجه ایمان می‌باشد، همان طور که رسول اکرم می‌فرماید: «هر کس در روز قیامت با کسانی است که آنها را دوست داشته است». لیکن امروز این قاعده دگرگون شده و دوستی و دشمنی بیشتر مردم تنها بخاطر دستیابی به مطامع پست دنیوی است. که اگر کسی از آن مطامع برخوردار باشد ولو اینکه دشمن الله و رسول او و دین مسلمانان باشد پیرامونش حلقه زنند و آن کس را که از آن مطامع پست بهره‌ای نباشد - اگر چه از دوستان الله  و پیامبر او باشد - به هر بهانه ناچیزی در ضیق و تنگنا قرار داده و کرامتش را پایمال می‌کنند در حالی که عبدالله  بن عباس ب می‌فرماید: «من أحب في الله وأبغض في الله ووالى في الله وعادى في الله فإنما تنال ولاية الله بذلك، وقد صارت عامة مواخاة الناس على أمر الدنيا وذلك لا تجدي على أهله شيئاً»[[7]](#footnote-7). «کسی که محبت و دوستی و عداوت و دشمنی اش به خاطر الله باشد، همانا به درجه دوستی با الله نائل می‌گردد. در حالی که روابط اکثر مردم تنها به خاطر دنیا شده و از آن سودی عاید  این افراد نمی‌شود».

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِى وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ»[[8]](#footnote-8). «هر کس با یکی از دوستان من دشمنی بورزد با او اعلام جنگ خواهم نمود».

دشمن ترین مردم نسبت به الله کسی است که با اصحاب رسول الله به عداوت و دشمنی بر خواسته و آنان را دشنام دهد و شخصیت والایشان را زیر سوال ببرد.؛ که رسول اکرم می‌فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِى أَصْحَابِى لاَ تَتَّخِذُوهُمْ غَرَضًا فَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَاى الله وَمَنْ آذَانِى فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَيُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ»[[9]](#footnote-9). «از الله بترسید، از الله بترسید، در مورد اصحاب من، به آنها غرض نورزید، به راستی هر کس آنان را بیازارد مرا آزرده است، و هر کس مرا بیازارد الله را آزرده است، و هر کس الله را بیازارد نزدیک است او را به عذاب خویش گرفتار سازد».

در خاتمه از تمام کسانی که نسبت به یاران پیامبر اسائه ادب کرده و از دشمنی با آنان بی پروا هستند؛ تبری جسته و از عذاب دردناکی که در پیش دارند به الله سبحانه و تعالی پناه می‌بریم.

وصلی الله وسلم وبارك علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.

1. - چون گلدزيهر، نولدكا و. . . [↑](#footnote-ref-1)
2. - همچون مجوسيان. [↑](#footnote-ref-2)
3. - چون تاريخ شاهنشاهی، ميلادی و . . . [↑](#footnote-ref-3)
4. - م. [↑](#footnote-ref-4)
5. - سه قرن اول حيات مبارک اسلام را قرون مفضله گويند كه رسول اكرم می‌فرمايد: «خير الناس قرني ثم الذين يلونهم الذين يلونهم»: «بهترين مردم (در) اين قرني است كه من در آن هستم و سپس كسانی كه بعد از آنها می‌آيند و در پی ايشان كسانی كه بعد از آنها خواهند آمد». (م) [↑](#footnote-ref-5)
6. - از جمله عقايد انحرافی و فاسد خوارج كه قلب هر مسلمانی را مجروح می‌سازد، اين است كه شخصيت‌هايی چون عثمان وعلی ب را كافر دانسته و مستوجب سبب و لعن می‌دانند. (م) [↑](#footnote-ref-6)
7. - ابن جرير روايت نموده است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحيح بخاری. [↑](#footnote-ref-8)
9. - ترمذی. [↑](#footnote-ref-9)